

قدیمی‌ترین گلدان‌ها
مربوط به قرون اولیه
اسلام هستند. هنری که
در دورخ زندگی و با تهیه
قلمدان‌هایی به روش
پایه‌ماشه، از رشد و
شکوفایی بالایی
برخوردار شد

قلمدان‌سازی و پایه‌ماشه

قلمدان‌سازی هنر فراموش شده‌ای است که اگر نامی هم دارد، نشانی از سازنده‌اش نیست. سابقه‌ی پیدایش قلمدان چندان روشن نیست و شاید این هنر را بتوان به زمانی که قلم نقشی در خط و کتابت پیدا کرد و به عبارت دیگر به زمانی که رونق کتابت و کتابت‌نویسی آغاز شد مرتبط دانست، هنری که با پیدایش خودنویس و خودکار و... رو به زوال نهاد.

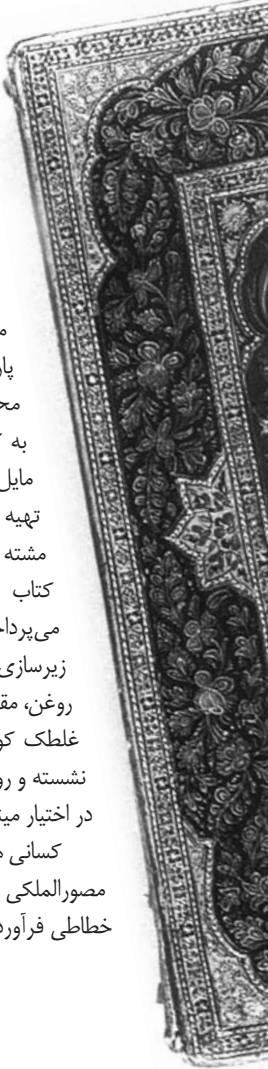
قدیمی‌ترین قلمدان‌هایی که امروزه در موزه‌های ایرانی و خارجی و یا در مجموعه‌های خصوصی یافت می‌شود، متعلق به قرون اولیه اسلام است، هنری که در دوره زندگی و با تهیه قلمدان‌هایی به شیوه پایه‌ماشه به اوج شکوفایی خود رسید. در واقع قلمدان تا نیم قرن پیش از وسایل ضروری خطاطان، نویسندگان و منشیان بود. چنانچه در منازل رجال و اشراف همیشه چندین قلمدان نفیس وجود داشت که توسط هنرمندان طراز اول این فن ساخته می‌شد. ارزش هر قلمدان نیز به شکل ظاهری، نقوش و استحکام آن بستگی داشت. این هنر در دوره صفویه تا اواخر دوره قاجار، در شهرهایی چون اصفهان، یزد، آذربایجان، کاشان، تهران و قزوین رواج داشت و به رشته‌های گوناگونی تقسیم شده بود که هر گروه نیز در رشته‌ای خاص تخصص داشتند. به طور مثال گروهی به ساخت قالب از چوب شمشاد و یا گلابی می‌پرداختند، گروه دیگر که تکه‌های ریز مقوا و کاغذ را بر روی قالب می‌چسبانند، قلمدان‌ها را ساخته و پس از خشک شدن، آنها را در اختیار نقاشان و مذهبیان قرار می‌دادند. چسب مصرف شده نیز از لعاب سریش (یزد) بود.

یک گروه هم به کار نقش زدن بر روی قلمدان‌ها مشغول بودند. به این ترتیب که ابتدا سطح قلمدان را صیقل داده و بعد بر روی آن نقاشی می‌کردند. نقش‌ها بیشتر خیالی بود اعم از نقوش جانوری، طرح‌های تزیینی، گل و بته، پرندگان زیبا و گاهی نیز چهره‌ای از دلدادگان، شکارگاه و... در ادامه جهت روغن‌کاری و جلا دادن و تثبیت نقاشی‌ها از روغن کمان استفاده می‌شد. در مورد روغن کمان آمده است: «ابتدا (سندروس) را پس از نرم کردن با کمی روغن بزرک مخلوط می‌کردند و سپس آن را روی آتش می‌گذاشتند تا خوب پخته شود و سپس آن را از صافی می‌گذراندند و مقاری از تقطیر نفت به عنوان ماده حلال به آن اضافه می‌کردند و آنگاه آن را با قلم‌مو بر روی کار می‌کشیدند. این روغن مانند (روغن طلا) و یا (سلیفون) قشر نازک و شفافی بر روی نقش‌ها ایجاد می‌کرد و آنها را ثابت نگاه می‌داشت تا آب و رطوبت به آنها زیان نرساند.»^۲ در انتها نیز زنان هنرمند با نخ ابریشم روی آنها روکش می‌بافتند. تهیه قلمدان با توجه به کیفیت نقوش، چندین روز تا چندین ماه طول می‌کشید.

آن به یک نقاش واگذار می‌شد.

یکی از زیباترین جلد‌های زیر لاک‌ی که به مرحوم دکتر ر. ف. مارتین تعلق دارد، حاوی طرح طوماری ساده اما چشمگیری است که با خاتم‌بندی‌های صدفی پرمایه شده است. از میان جلد‌هایی نیز که به نقش مجالس درباری پرداخته است، می‌توان به جلدی اشاره کرد که قبلاً در موزه دوسلدورف بوده است.

طبق گواهی اسناد و مدارک موجود، در ابتدا مصرف عمده‌ی آن در تهیه جلد کتاب بوده است. چرا که صحافان و جلدسازان برای تأمین مقوای موردنیاز خود جهت جلد کتاب، ابتدا کاغذهای باطله و تکه‌های منسوجات پنبه‌ای را در محلولی از شوره ریخته و با کوبه و در فاصله‌های زمانی مشخص می‌کوبیدند و با پارو آن را به هم می‌زدند و سپس سریش به آن می‌افزودند تا به شکل خمیری قهوه‌ای رنگ درآید. سپس خمیر را خارج کرده به آن سریش می‌زدند و ترکیب حاضر را در کیسه‌ی ریزبافتی می‌ریختند تا مقداری از آبش گرفته شود. در ادامه خمیر را روی پارچه‌ای پهن کرده و با یک ماله آن را صاف و هموار می‌کردند. محصول حاضر پس از خشک شدن، کاغذی بود ضخیم و نرم که به کاغذ پیزوری یا زرتی معروف بود این کاغذ به رنگ نخودی مایل به خاکستری، شبیه کاغذهای خشک‌کن امروزی بود. پس از تهیه صفحات کاغذ، صحافان چند برگ از آن روی هم چسبانده و با مشتته آن را می‌کوبیدند تا مقوایی فشرده به دست آید و برای جلد کتاب مورد استفاده قرار گیرد. پس از این مرحله به تزیین آن می‌پرداختند. ابتدا سطح کار با رنگ زرنیخی (زرد تیره) یا یشمی زیرسازی و با روغن کمان پوشانده می‌شد و قبل از خشک شدن کامل روغن، مقداری مرغش یا دلربا ساییده و بر سطح کار می‌پاشیدند. در ادامه غلطک کوچکی را بر روی آن می‌غلطاندند تا سوده‌ها در روغن کمان نشسته و رویه جلد هموار شود و مجدداً با روغن کمان می‌پوشانند. سپس در اختیار مینیاتورسازان و مذهبیان قرار می‌دادند. کسانی همچون محمد زمان، آقاابوبالاب، علی اشرف، امامی، حاج حسین مصورالملکی و... از کسانی بودند که در طی سال‌ها به تزیین، تذهیب و خطاطی فرآورده‌های پایه‌ماشه پرداختند.



نقاشی روغنی (لاکی)

پایه ماشه

مینا اسکندری

پایه ماشه Papier Mache، واژه‌ای است فرانسوی که به معنای کاغذ فشرده آمده است. این اصطلاح به اشیاء مقوایی که با مینیاتور روی آن تزیین و با لاک ویژه‌ای پوشش داده می‌شده، اطلاق شده است، در گذشته به این هنر نقاشی روغنی یا لاک‌گرفته می‌شد. از آثار به جای مانده دیده می‌شود که تا پس از دوره سلجوقیان (۶۱۷-۴۵۱ ه.ق) کلیه‌ی کتاب‌های خطی، از جلد چرمی ساده یا ضربی^۱ برخوردار بوده و تزیینات اسلیمی^۲ نداشته‌اند.

درواقع در دوره‌ی سلجوقیان هنر جلدسازی همراه با تذهیب و نقوش عمدتاً هندسی و تحریری رونق گرفت و جهت روی کتاب که پیش از آن، پوششی از چرم داشت، از کاغذ و مقوا استفاده گردید. در عهد تیموریان هنر جلدسازی به کمال خود می‌رسد، در این دوره عناصری طبیعی همچون گل و پرندگان جای نقوش هندسی را می‌گیرد و برای تزیینات روی جلد از نقوش ضربی استفاده می‌شود. در دوره صفویه و به‌ویژه آغاز سلطنت شاه تهماسب بود که جلد لاک‌ی، به دست هنروران، به‌ویژه هنرمندان قزوین ابداع شد. روش کار به این صورت بود که:

«هنرمند ابتدا مقوا یا تخته نازک صافی را به اندازه‌ی نیازی که داشت تهیه می‌کرد و آنگاه روی آن را چند بار لاک می‌زد تا منافذ ریز آن از بین برود. سپس با لایه نازکی از گچ روی آن را می‌پوشانید و سپس سمباده می‌زد و صیقل می‌داد و روی آن را با آبرنگ نقاشی می‌کرد. در پایان کار، روی آن را لاک می‌زد تا از اثرات رطوبت و گرد و غبار مصون ماند. در این دوره بیشتر طرح‌های روی جلد کتاب‌ها و قرآن با طرح گل‌های گوناگون و پرندگان شکل می‌گرفت و تمامی آنها با رنگ‌های روشن و درخشان و به گونه‌ای بس زیبا و دل‌فریب نقاشی می‌شد.»^۳

زمانی که هرات مرکز اصلی و مهم جهت تحقیقات و تالیفات دوره ایلخانی (۷۸۳ ه.ق به بعد) بود، جلد کتاب‌های نفیس و معتبر، بیشتر از نوع سوخت^۴ و کتاب‌های معمولی نیز دارای چرم ساده یا ضربی بوده است. علاوه بر نقوش اسلیمی از خطوط ختایی نیز استفاده می‌شده است و به نظرمی رسد تا آن زمان هنر پایه ماشه در ایران رواج چندانی نداشته است. اسناد باقی مانده نیز عمدتاً دلالت بر این دارد که این هنر از دوره صفویه (۱۱۴۵-۹۰۸ ه.ق / ۱۷۲۲-۱۵۰۲ م) وارد ایران شده باشد. دوره‌ای که قزوین و اصفهان را می‌توان مراکز اصلی تولید محصولات پایه‌ماشه در ایران دانست که در نقوش مجالس شکار و رزم و تذهیب با خطوط اسلیمی و ختایی، این تولیدات را زینت می‌داده‌اند. در اواخر این دوره است که نقوش گل سرخ و گل برگ‌های سایه‌دار طبیعی در پایه ماشه‌ی اصفهان جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده و دوره زنده‌ی این

سیر کمال طی می‌شود.^۵

در ربع دوم قرن دهم ه.ق / شانزدهم م. شیوه و سبکی جدید از جلدآرایی با رویه نقاشی لاک‌ی در ایران پدید آمد. غنای این نوع نقاشی، و نوع ترکیب‌بندی‌های رنگی آن، البته در دوره‌های بعدی دیده نشد. در زمان فتحعلی‌شاه (۵۰-۱۲۱۲ / ۱۸۳۴-۱۷۹۷) این نقاشی رونقی خاص داشت. متأسفانه نقاشی‌های ارزشمند آن دوره با موضوع عشاق و دسته‌های گل که بر روی جلد‌های متعددی از کتاب‌ها تا اواسط قرن نوزدهم ظاهر شدند، موارد آنچنان مطرحی باقی نمانده و می‌توان گفت تنها تکنیک خاص آن دوره همچنان محفوظ مانده است.

در کتاب سیر و صور نقاشی در ایران با ذکر مسئله‌ی بالا به این نکته اشاره می‌شود که: «اما این مسئله نیز پس از تاثیرگذاری رنگ‌های خام، کاربرستی چندان مطلوب نداشته است. لیکن هنری که زمانی برای خودش عظمتی داشت و بسیار نازک قلم و پاکیزه رقم بود به صورت کسالت‌بار و پیش‌پافتاده درآمد»^۶ البته باید گفت این هنر جلدگری نبود که در جلد‌های زیر لاک‌ی شکوفا و افول کرد، بلکه این هنر نقاش بود که چنین مسیری را طی نمود. جلدگر کارش محدود به اصول ساخت جلد بود و حال آنکه تزیین



و این کار ادامه پیدا می‌کند تا جایی که ضخامت این اوراق به اندازه لازم برسد. سپس یک برگ دیگر از کاغذ سفید و مرغوب انتخاب و بر روی این ورقه‌های روزنامه‌ای می‌چسباند و با وزنه‌ای سنگین روی آن فشار وارد می‌آورند. پس از ۲۴ ساعت با خشک شدن مقوا توسط گزن^۱ بریده و گونیا می‌شود. اگر منظور حجم‌های هندسی چون جعبه استوانه‌ای، مدور، مکعب مستطیل و غیره باشد پس از ساختن جدار خارجی همان‌گونه که گفته شد، با قالب‌هایی که دارای شکل دلخواه است بقیه قسمت‌های محصول تهیه و پس از خشک شدن به یکدیگر می‌چسباند و گوشه‌ها و زوایای آن توسط سوهان هموار و به نقاش تحویل داده می‌شود.

پایه ماشه و نقاشان

نقاشان ابتدا سطح داخلی کار را با یک رنگ آستر (از جنس رنگ روغنی) می‌پوشانند. اگر برای زمینه از رنگ روشن استفاده شود، ابتدا یک لایه از لعاب کتیرا را با قلم‌مو بر روی سطوح می‌مالند و پس از آن به طراحی و رنگ‌آمیزی نقوش می‌پردازند. اما اگر زمینه با رنگ سیاه یا رنگ‌های سیر پوشیده شود، پس از آغشتن با لعاب کتیرا و متناسب با نوع نقش، به رنگ‌آمیزی زمینه و ترسیم نقوش پرداخته می‌شود. سپس مرحله روغن‌کاری^۲ است. در این مرحله و به دلیل آنکه رنگ مورد استفاده در ترسیم نقوش از نوع رنگ گواش یا آکوارل^۳ است و به آسانی با آب پاک می‌شود برای شفافیت دادن به فرآورده و ثبوت رنگ‌ها، روی آن را با روغن مخصوص می‌پوشانند. در گذشته این روغن توسط خود پایه‌ماشه‌سازان یا نقاشان تهیه می‌شد ولی امروزه از روغن‌های سادیلوکس Sadoiluxe، محصول کارخانه رنگ‌سازی استفاده می‌شود. روغن کاری سه بار صورت می‌گیرد و هر بار قشری از روغن که حکم شالاک^۴ chalach دارد، به تمام سطوح داخلی و خارجی مالیده می‌شود.

پانوشت‌ها:

- ۱ - نقشی که روی قطعه‌ای فلز حکاکی می‌شده و در هنگام کار حرارت داده و با ضربات چکش بر جلد کتاب منعکس می‌شود.
- ۲ - از عناصر مهم طرح‌های استیل ایرانی که مرکب از خطوط منحنی ماریج بود و در زمینه کاشی‌کاری، گچ‌بری و نقاشی به رنگ‌های گوناگون طرح می‌شود و شاخه‌های کوتاه و برگ و گل از ساقه‌های ماریجی آن منشعب می‌گردند. طرح‌های اسلیمی که بنا بر عقیده‌ای از خط کوفی استخراج و از لفظ اسلامی ناشی شده پس از ظهور اسلام و به علت منع نقاشی موجودات زنده رایج شد.
- ۳ - قزوین در گذرگاه هنر. محمدباقر آصف‌زاده، قزوین: انتشارات بحرالعلوم، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۶۲.
- ۴ - نقوش اسلیمی را با ظرافت و زیبایی بسیار از چرم نازک بریده و بر روی جلد‌های چرمی می‌چسباندند.
- ۵ - معروف‌ترین نقاش گل و بوته این دوره استاد لطفعلی است که آثارش در موزه‌های داخلی موجود است.
- ۶ - سیر و صور نقاشی در ایران، آرژانر ایهام پوپ ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۷.
- ۷ - قزوین در گذرگاه هنر، ص ۶۲.
- ۸ - تیغه‌ای تیز که توسط کفاشان و صحافان برای بریدن چرم و مقوا به کار برده می‌شود.
- ۹ - این مرحله باید در محلی سربسته و خالی از گرد و غبار انجام گیرد.
- ۱۰ - رنگ‌هایی که در آب قابل حل شدن هستند.
- ۱۱ - صمغی که به صورت لایه‌ی نازکی جهت شفاف کردن سطح اشیاء استفاده می‌شود.

منابع:

جزوات سازمان صنایع دستی ایران



گفتنی است با توجه به اینکه پیش از دوره زندیه

قلمدان‌ها از فلز ساخته می‌شدند و برای تزیین نیز از مفتول‌های نقره‌ای یا طلایی استفاده می‌شد، و از طرفی به دلیل کاربرد فراوان این وسیله، وزن این قلمدان‌ها، مشکل عمده‌ای بود که هنرمندان را به فکر بهره‌گیری از قلمدان‌های سبک‌تر انداخت. به این ترتیب ساخت قلمدان، یکی از کارهای جنبی پایه‌ماشه‌سازان گردید. با استقبال فراوان مردم از قلمدان‌های جدید، کارگاه‌های متعدد قلمدان‌سازی در ایران دایر شد از جمله در تهران، در جلوخان مسجد امام خمینی (مسجدشاه سابق) و سرتاسر بازار حلبی‌سازی‌های امروزی.

شاید بتوان سیر نزولی این هنر را اواخر دوره سلطنت مظفرالدین شاه دانست؛ زمانی که عکس‌برگردان‌های زیادی از فرنگ وارد کشورمان شد و از همین تاریخ بود که کار نقاشان قلمدان از رونق افتاد، و به صنعت قلمدان‌سازی لطمه‌ی جبران‌ناپذیری وارد شد. نقاشان از گردونه تولید خارج شدند، چرا که قلمدان‌ساز به راحتی می‌توانست عکس‌برگردان‌ها را به راحتی بر روی قلمدان منتقل کند. با این حال پایه‌ماشه‌سازان با تهیه و تولید وسایل مصرفی از جمله رحل قرآن، قاب آئینه، جلد آلبوم، جاپاکتی، قاب عکس، قوطی انواع پودرها، جعبه جواهر، جلد کتاب و... توانستند تا حدودی این هنر را زنده نگه دارند، در حال حاضر در شهرهایی چون اصفهان به این هنر همچنان پرداخته می‌شود.

امروزه برای تولید فرآورده پایه‌ماشه از روش‌هایی تقریباً متفاوت از گذشته استفاده می‌شود. چنان‌چه برای تولید محصولاتی چون قاب آئینه، جلد کتاب و آلبوم و اصولاً سطوح مسطح، ابتدا از کاغذ سفید مرغوبی که از طول و عرض هر یک به اندازه چهار سانتی‌متر بیشتر از محصول موردنظر است در آب خیسانده و بر روی سنگ مرمری با ابعاد ۶۰×۵۰×۱۵ سانتی‌متر پهن می‌کنند به طوری که حباب هوا در زیر کاغذ باقی نماند. سپس کاغذهای کاهی و اوراق روزنامه را که به اندازه مشخص بریده شده در محلول سریش فروبرده و بر روی آن می‌چسباند